\*- صوت 170 تخریجات وجوب الموافقه القطعیة

6/369 : مدعی ادعا کرده بود که بنابر مبنای محقق عراقی وجوب موافقت قطعیه ما داریم و بنا بر میرزای نائینی و محقق اصفهانی نخیر، ما وجوب موافقت قطعیه نداریم. که شهید صدر فرمودند که نه چه بنا بر نظر میرزای نائینی و محقق اصفهانی موافقت قطعیه لازم نیست و چه بنا بر نظر محقق عراقی که در اینجا هم موافقت قطعیه لازم نیست. الا اینکه دو بزرگوار از کلماتشان استفاده میشود که این دو بزرگوار گرچه بنابر مبنای خود که تعلق علم به جامع است و لیس الّا در عین حال خواستند بگویند موافقت قطعیه لازم است و ما اگر انائین مشتبهتین در مقابل ما است که یکی شان خمر است و نمیدانیم کدام است ما باید از هر دو اینها اجتناب کنیم. یا در ظهر جمعه یک صلاتی بر ما واجب است که نمیدانیم صلاة الظهر است یا صلاة الجمعه ما باید هر دو را بخوانیم.

محقق اصفهانی اینجا بیانی دارد دو مرحله که میخواهد بگوید ما به نحو مستقیم از علم اجمالی میرسیم به موافقت قطعیه ، میرزای نائینی یک مقداری احتیاط کرده و ما مستقیم را قبول نداریم ولی غیرمستقیم میشود و آن هم با چهار مرحله، میرسیم به این موافقت قطعیه.

بهرحال این دو بزرگوار که بنابر اصل مبنای شان موافقت قطعی لازم نمی باشد آمدند یک مازادی را بیان کردند که بر اساس آن بگویند موافقت قطعیه، لازم است.

لذا شهید صدر گفتند علم اجمالی بذاته مقتضی وجوب موافقت قطعیه نیست ولی آیا بخاطر مازادی موافقت قطعیه لازم میشود این را فرمودند ممکن است بشود.

\*- محقق اصفهانی اینطور فرمودند که اگر ما آمدیم موافقت قطعیه نکردیم یعنی مخالفت احتمالی کردیم. دو ظرف مشابه داریم و موافقت قطعیه این است که از هر دو اجتناب کنم ولی اگر گفتم از یکی اجتناب میکنم در این صورت مخالفت احتمالی کردیم لعل آن احدهما که خمر است شاید همین باشد. یا آن نمازی که ظهر جمعه ترک کردیم از قضاء همان نماز واجب باشد. لذا این مخالفت احتمالیه با جامع است. جامع احدهما بود و من مخالفت با جامع کردم. آیا مخالفت احتمالیه میتوانیم با جامع کنیم ایشون میفرماید نه نمیتوانید زیرا نسبت به جامع علم تفصیلی داریم و وقتی علم تفصیلی داشتیم این منجز است و وقتی منجز شد ما عقلا نمیتوانیم مخالفت با جامع کنیم. چون این مخالفت احتمالیه این سر از احتمال معصیت در می آورد و وقتی گفتید علم اجمالی شما سبب تنجیز جامع میشود شما حق ندارید مخالفت با جامع بکنید.

\*- 3/370 : تعبیر مدرسه محقق نائینی توی حلقات پیش آقای صدر اینگونه است که اگر حس کنند که شاگردان محقق نائینی یک چیزی فرموده باشند که تحت تاثیر آرای محقق نائینی بوده است، تعبیر مدرسه محقق نائینی بکار می­برند. ولی در مورد این قضیه خود محقق نائینی این حرف را زده است ولی شاید از این باب گفته­اند مدرسه چون علاوه بر خود محقق نائینی شاگردان ایشون هم این قضیه را قبول دارند.

محقق نائینی بخلاف محقق اصفهانی ، گفتند بله خود علم اجمالی نمیتواند بذاته­، منجز به موافقت قطعیه باشد. لکن نمیشود نه اینکه اصلا نمیشود منظورش این است که به شکل مباشر نمیشود اما اگر واسطه بخورد ما با واسطه میتوانیم حلش کنیم. 36

\*- 1/371: این تعارض اصول که شما میگویید منظورتان از این اصول موومنه یکی قاعده قبح عقاب بلا بیان است؛ اگر منظورتان قاعده قبح عقاب بلابیان باشد این قاعده طبق دیدگاه شما ملصق و چسبیده به همه احتمالات عالم است حتی پیش از اینکه علم اجمالی باشد. همه احتمالات و شکوک عالم مجرای قاعده قاعده قبح عقاب بلا بیان است و اصلا قبل از اینکه کنار هم قرار بگیرند، این محل جریان قاعده قبح عقاب بلا بیان بوده است. شما باید بگویید چطور دست از قاعده قبح عقاب بلا بیان برداشتید. اگر بخواهید قاعده قبح عقاب را بردارید باید دلیل بیارید. شما میگویید چون علم اجمالی می آید قاعده قبح عقاب کنار میرود ، پس اصلا سخن در این نیست که ما چطور قاعده قبح عقاب بلا بیان را جاری میکنیم سخن این است اصلا چطور قاعده قبح عقاب را برداریم زیرا این که بود و برای رفتنش باید استدلال کنیم. پس سخن شما را نمیتوانیم ما بپذیریم و این قاعده قبح عقاب اولا و بالذات در همه موارد بوده است.

اگر اول خلقت یک ظرف بود اصلا علم اجمالی نبود. وقتی یک ظرف شد دو ظرف تازه بحث علم اجمالی مطرح میشود.

\*-4/371 : یعنی در اطراف از آن جهت که اینها احتمالات صرفی هستند برائت عقلیه جاری میشود و از آن جهت که یک وابستگی به علم اجمالی دارند برائت عقلی جاری نمیشود.

ما بیانمان یک تفاوت دارد با بیان شهید صدر، ما رفتیم قبل از اینکه علم اجمالی باشد ما این برائت را جاری میکنیم، حالا علم اجمالی آمد باید اثبات کنید که برائت از اینجا رفته است. لقائل ان یقول که علم اجمالی نمیتواند برائتی را که بوده بردارد و شاید یکی بگوید چرا علم اجمالی زورش میرسد و برائت را از اینجا بر میدارد. این بیان ما

شهید صدر میفرماید اصلا شما با فرض علم اجمالی نه از پیش تر، فرض کنید به این صورت که این احتمالات از اول هم اطراف علم اجمالی باشند، لکن اینها دو حیث و دو جهت دارند، یکی اینکه خودشان به خودی خود لحاظ شوند که قطعا مجرای جریان برائت عقلی اند و یکی اینکه اینها به خودی خود لحاظ نشوند بلکه ملحق به علم اجمالی باشند و لقادل ان یقول که دیگر نمیشود برائت جاری کرد در این حیث.

5/371 : ظهور عرفی دلیل برائت شرعی کمک نمیکند که بخواهیم تفکیکی قائل شویم و بگوییم برائت در این طرف جاری میشود ولی در جامع جاری نمیشود. این تفکیک را نمیشود در برائت شرعی انجام بدهیم. اگر بتوانیم انجام بدهیم در برائت عقلی است.

اگر مقصود شما از اون اصول این فقط اصول شرعی باشد نه برائت عقلیه­ای که مستفاد از قاعده قبح عقاب بلا بیان است، اگر منظورتان این باشد این مطلب را میتوانیم بپذیریم.